



حاضر، کشورمان نیاز به اصلاحات ساختاری و تدریجی دارد. بخشی از جامعه به اصلاحات ساختاری معتقد است اما به نظر نمی‌رسد ساختار، چنین احساس نیازی داشته باشد. زیرا وضع موجود برای آن نحله فکری خاص در قدرت، مطلوب است و معتقدند باید برای ادامه آن تلاش کرد.

## ۲ اسناد اقتصادی

اوضاع اقتصادی ایران برای اکثر مردم ناگوار است. اما این به معنی ناگوار بودن وضع موجود اقتصادی برای همگان نیست. بسیاری هستند که از این وضعیت سود می‌برند. آن‌ها را می‌توان به مردم عادی، اشخاص درگیر در امور اقتصادی و نهادهای خاص قدرتمند تقسیم کرد.

► **تورم:** واکنش مردم به تورم متفاوت است. آن‌هایی که در زمره مالکان قسری می‌گیرند و از راه اموال و املاک خود کسب درآمد می‌کنند، سختی‌های مردم عادی را نمی‌کشند. تورم آن‌ها را یولدا تر می‌کند. زیرا وقتی نظارتی نباشد، آن‌ها به طرق مختلف می‌توانند درآمد خود را افزایش دهند. بحث در این مجال را به متخصصان اقتصادی واگذار می‌کنیم. اما در کنار آن، زندگی در ایران و اداره یک خانواده نشان می‌دهد که افزایش تورم حداقل در حوزه مسکن، برای صاحبان املاک متعدد بسیار سودآور است. بنابراین در جریان آن تقسیم‌بندی اشخاص و نسبت آن‌ها با سود بردن از وضع موجود، به ذکر همین مثال بسنده می‌کنم.

► **اقتصاد غیرشفاف رانتی:** به شعارهای تندرها در خصوص فروش نفت یا انجام یک معامله اقتصادی «بدون برجام و بدون FATF» توجه کنید. آن شعار نماینده یک تفکر است. نمی‌دانم پدیده نظامی که این شعار را تکرار می‌کند، از وضع موجود نفع می‌برد یا خیر. اما آن کسی که این شعار را ساخته است، سخت است بگوییم، از وضعیت فعلی نفعی ندارد. بدون برجام و بدون FATF یعنی ما با اینکه از جریان تجارت جهانی جدا هستیم، می‌توانیم تحریم‌ها را دور بزنیم و کشور را بچرخانیم. صرف‌نظر از اینکه گزاره مدنظر تا چه حد صحیح است، این اقتصاد تحریمی و غیرشفاف، این ارز چندنرخ و انحصارهایی که وجود دارد، رانت‌های خاصی به وجود آورده که هر چند وقت یک بار، پرونده فساد یا به بار می‌آورد. نمونه اخیرش؟ چای دیش.

اقتصاد غیرشفاف رانتی، پای نهادهای قدرتمندی را به اقتصاد ایران باز کرده است که بتوانند از کانال‌های غیررسمی اقدام به فروش نفت کنند. به‌طور طبیعی، فروش نفت از این کانال‌ها که تحریم‌ها را دور می‌زند، کار اشخاص معمولی نیست. ارتباطات خاص داخلی و خارجی می‌تولید که خود زمینه‌ساز فساد بسیار زیادی است. آیا این گزاره صحیح است که نیروهای مسلح یک کشور، به دنبال فروش نفت باشند آن‌چنان که چنین برداشتهایی مطرح می‌شود؟ چنین راهکاری، ضربه‌زننده و فسادزا خواهد بود. از سوی دیگر، اشخاص و شرکت‌های دیگری که به درستی کاسبان تحریم نامیده می‌شوند، از این وضعیت سودهای کلانی می‌برند. تحریم خارجی از یک سو و انحصار داخلی از سوی دیگر، شرایط ایده‌آلی برای سودگران به وجود آورده است که همین وضع موجود ایران است.

► **خبردرمانی:** اگر بخواهیم وارد حوزه خبردرمانی شویم، عرصه‌های فراوانی از سیاست تا فرهنگ و اقتصاد را در برمی‌گیرد. خبردرمانی اقتصادی را اگر مدنظر قرار بدهیم، از تورم تا واردات و صادرات را شامل می‌شود. برای اینکه کلام طولانی نشود، خبردرمانی اقتصادی آن هم در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی را مدنظر قرار می‌دهیم تا این پدیده شکافته شود. وزیر سابق کار و رئیس فعلی شورایی عالی مناطق آزاد، نظریه‌پرداز کارآفرینی با یک میلیون تومان، عدم تاثیر تحریم بر افزایش قیمت دلار و چند نظریه فضایی دیگر است. هر چند مدت یک بار، خبری مبنی بر سرمایه‌گذاری هنگفت یک کشور خارجی از جانب او منتشر می‌شود. مثلاً خبر سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری اماراتی‌ها در ایران، خبردرمانی، نیاز وضع موجود است. زمانی که اقتصاد ایران در چنین باتلاقی گرفتار شده، خبردرمانی هم کارکرد دستاوردسازی دارد، هم تا اندازه‌ای ممکن است امید را در «بخش‌هایی از جامعه» با تنفس مصنوعی زنده نگه دارد. برای این شاخص، خبردرمانی در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی را مثال زدیم به این دلیل که این نوع سرمایه‌گذاری نیاز کشور است و به‌خاطر وضع موجود، تحقق نمی‌یابد. حتی چینی‌ها که قرار داد راهبردی ۲۵ ساله با ما دارند، در این عرصه دست به عصا حرکت می‌کنند. آیا دست به عصا حرکت کردن آن‌ها ربطی به اقتصاد دره‌متنبه‌شان با آمریکایی‌ها دارد؟ کارشناسان اقتصادی باید پاسخ این مسئله را بدهند.

► **تحریم:** ریشه بسیاری از مشکلات این کشور که آن را با عنوان وضع موجود می‌شناسیم، تحریم است. تحریم امری سیاسی است اما در حوزه اقتصاد اعمال می‌شود؛ پدیده‌ای که سال‌ها اثر آن بر اقتصاد و معیشت مردم کتمان می‌شد. مصاحبه‌های تلویزیونی با مردم را یادتان هست؟ وقتی تازه تحریم شده بودیم مردم می‌گفتند این‌ها هیچ تاثیری ندارد؛ اما دشمن صورتی از آن بود که بخواهد تحریم‌هایش اثری ناگهانی داشته باشد. به‌مرور زمان حلقه‌ها تنگ‌تر می‌کرد و باید گفت که آن جمله «تحریم‌ها اثر ندارد» فقط یک جمله در مصاحبه‌های خیابانی نبود بلکه راهبردی بود که یک نحله فکری خاص دنبال می‌کرد.

به‌مرور زمان مشخص شد که نه تحریم‌ها نعمت است، نه قطع‌نامه‌ها کاغذپاره است و نه تحریم‌ها بی‌اثر است. سیاه‌چاله تحریم‌ها به‌مرور زمان اقتصاد و بخش زیادی از مردم ایران را در خود فرو برد. وضع موجود را تندرها رقم زدند و آن کسی که برای خروج از آن تلاش کرد - محمدجواد ظریف - همچنان از جانب آنان متهم به وطن‌فروشی است.

تحریم‌های ایران حاصل پرونده‌های باز میان جمهوری اسلامی و غرب است. رفع آن‌ها نیاز به گرفتن تصمیم‌هایی بزرگ و میزبان زیادی واقع‌گرایانه دارد. همچنین این حقیقت باید درک

شود که ایران بیشتر از طرف مقابل به حل این پرونده‌ها نیاز دارد و باید به اندازه امکانات و ظرفیت‌های خود فعالیت کند. مردم ایران نباید قربانی شوند. جای دیگری نوشته‌ام که شاید ایران نیز بخواهد مانند فرانسه یا انگلستان تاثیر فرامرزی و نفوذ داشته باشد. اما شرط لازم آن این است که ابتدا پایه‌های داخلی را محکم و ارزیابی کند که آیا ظرفیت‌های مورد نیاز وجود دارد، یا خیر. آیا ظرفیت‌های اقتصادی را دارد؟ فعالیت‌های فرامرزی، آورده اقتصادی برای کشور دارد، نفوذ سیاسی اش را گسترش می‌دهد، ارزش افزوده امنیتی دارد؟ یا صرفاً هزینه‌کرد منابع کشور است؟ در حال حاضر می‌توانیم بگوییم در وضع موجود، آخرین گزینه تا حد زیادی - به نسبت شرایط امنیتی منطقه - برآورده شده، گزینه میانی را در حدی متوسط در حد منطقه در اختیار داریم و در خصوص گزینه اقتصادی، کارشناسان امر باید نظرات‌شان را روشن بیان کنند. ۱۲ سال پس از آغاز بحران سوریه و ۹ سال پس از ظهور داعش که ایران نقش مهمی در مقابله با آن داشت، سهم ایران از بازار عراق و سوریه چقدر است؟ اعداد و ارقام، گویای وضعیت این شاخص هستند.

## ۳ وضعیت اجتماعی

در خصوص وضعیت اجتماعی فعلی ایران، بحث را با مسئله شکاف نسلی و مهاجرت دنبال خواهیم کرد. این حوزه را نیز مثل اقتصاد و سیاست می‌توان با شاخص‌های مختلف بسط داد اما محدودیت روزنامه و گستردگی این موضوع، نگارنده را به این سو هدایت کرد که این دو شاخص را ارائه دهد.

► **شکاف نسلی:** ایران در سال ۵۷ یک رویداد بزرگ را از سر گذراند و نسلی آرمان‌گرا به قدرت رسیدند. مثل هر انقلاب دیگری پس از پیروزی تا تثبیت قدرت، اختلافات میان گروه‌های مختلف سیاسی حتی تا جنگ قدرت پیش رفت. پس از آن هم تجربه تهاجم خارجی، پایان جنگ و تغییر رهبری پس از رحلت امام خمینی را باید مهم‌ترین وقایع در دهه پس از انقلاب دانست. اما زمانی که از شکاف نسلی صحبت می‌کنیم، باید وقایع را فراتر از مسائل سیاسی دید. آن‌هایی که تجربه زیستی یا فعالیت در دوران جنگ را دارند، می‌گویند آن سال‌ها از هر لحاظ متفاوت بود. آرمان‌گرایی بر جامعه تسلط داشت و تحقق آن آرمان‌ها به‌طور جدی از سوی بالاترین سطح مدیریت کشور پیگیری می‌شد.

امسای از پایان جنگ، تغییر مدیریت کلان، به‌مرور زمان جایگزینی ارزش‌ها آغاز شد. اگر به زبان امروزی بخواهیم آن را بیان کنیم، مطالعه روند پس از جنگ نشان می‌دهد که جست‌وجوی یک زندگی معمولی، در این دوران آغاز شده است. شکاف بین نسل انقلاب و نسل‌های پس از انقلاب هیچ‌وقت از بین نرفته و آرای جامعه‌شناسان در این خصوص، تأییدکننده آن ادعاست. نسل‌های جدید که با آرمان‌های انقلاب غریبه هستند، به‌طور طبیعی مطالبات جدیدی دارند که گفتمان تندرها با نگاه خاص، قابلیت پاسخگویی به آن‌ها را ندارد. آن‌ها به اندازه خودشان دنیای بیرون از مرزها را می‌شناسند و جبر جغرافیایی برای‌شان آزردهنده است. حتی اگر نسل‌های جدید علایق سیاسی خاصی در چارچوب قانون اساسی موجود نداشته باشند، یک زندگی آرام از آن‌ها دریغ شده است. زمانی که با اجتماع گذشته‌اند که حداقل‌های آغاز یک زندگی مستقل برای بسیاری از آن‌ها فراهم نیست. میزان دستیابی آن‌ها به آرزوهای‌شان، ارتباط مستقیمی با وضعیت خانواده دارد.

► **مهاجرت:** نگران‌کننده بودن آمار مهاجرت در ایران پس از انقلاب، به یک امر عادی تبدیل شده است. زمانی از «فرار مغزها» برای توصیف مهاجرت نخبگان استفاده می‌شد. زیرا به غیر از آن‌هایی که به دلایل سیاسی کشور را ترک می‌کردند، مهاجرت نیروهای تحصیل‌کرده و نخبگان بیش از دیگران به چشم می‌آمد. اما حالا فرار مغزها با مهاجرت نخبگان، تنها بخشی از موج مهاجرت ایرانیانی است که از راه‌های مختلف قانونی و غیرقانونی، در جست‌وجوی یک زندگی معمولی و شاید ایده‌آل، این کشور را ترک می‌کنند. مهاجرت مردم از کشور تابع عوامل مختلفی است که در این نوشتار، تحت عنوان «وضع موجود» آن را بررسی کرده‌ایم. در حال حاضر یک تفکر خاص سعی می‌کند شرایط را انقلابی جلوه دهد اما با گذشت زمان باید تمرکز روی کشور باشد. طرز تفکری دیگر به دنبال زندگی آرام است و اگر آن را داخل کشور پیدا نکنند، ترجیح می‌دهد بار سفر ببندد. یک گروه دیگر نیز به‌رغم نارضایتی‌های گسترده، به‌خاطر نتوانستن یا نخواستن، تن به سفر نمی‌دهد و سعی می‌کند راهی برای گذران در وضع موجود پیدا کند.

## ۴ اصلاح چیست؟

وضع موجود به‌طور حقیقی لایق مدال «نامطلوب» بودن است و نشان می‌دهد که در این کشور باید تصمیم‌های بزرگی گرفته شود. ادامه وضع موجود، نمی‌تواند عاقبت خوشی داشته باشد. تندرها که بر زیست و سیاست‌های انقلابی - بدون تعریف مشخص از اینکه علیه چه کسی در حال انقلاب هستند - تأکید دارند، وضع موجود را حاصل ایرادات ساختاری و اندیشه‌ای نمی‌دانند. بلکه معتقدند نارسایی‌ها به علت خالص نبودن کارگزاران سیاسی در دولت‌هایی با تفکر غیرانقلابی رخ داده است. به همین دلیل است که در حال حاضر از هر ابزاری استفاده می‌کنند تا این گزاره به جامعه القا شود که مشکلات با مسیر فعلی حل خواهد شد و در حال حرکت صعودی هستیم. همان‌طور که در ابتدای این نوشتار یادآوری شد، زمانی که از اصلاح با تندروری صحبت می‌کنیم، اشاره ما به تفکر است و نه جریان سیاسی. یک تفکر اصول‌گرای می‌تواند اندیشه اصلاحی داشته باشد چون وضع موجود هیچ ارتباطی با آن اصول مورد باور جناح راست نیز ندارد. وضع موجود حاصل از کار افتادن یک دستگاه فکری است که باید مورد جراحی سخت و عمیقی قرار بگیرد؛ وگرنه با انباشت نارضایتی‌ها وزن یک جرقه، وقایع ناگوار در آن رخ خواهد داد.

## سیاستمداران



### طرح عفاف و حجاب بر خلاف سیاست‌های کلی نظام است

مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با جماران درباره طرح عفاف و حجاب گفت: «از دید بنده این لایحه یا طرح قانونی در زندگی تمام ۸۵ میلیون نفر ملت ایران، تأثیر مستقیم دارد. یعنی تمام زنان و مردان کشور درگیر با این قانون هستند. همه جا این قانون سرک کشیده و برای آن حکم تعیین کرده است.» او ادامه داد: «گرچه به تشخیص همکاران عزیزمان در هیئت عالی نظارت احترام می‌گذاریم و رأی اکثریت حتماً بر رأی یک فرد تقدم دارد ولی شخصاً عقیده من این است که این قانون به شکلی که نوشته شده به‌هیچ‌وجه قابلیت اجرا ندارد و برخلاف سیاست‌های کلی قانونگذاری است.» او همچنین گفت: «چون یکی از ارکان سیاست‌های کلی قانونگذاری این است که باید مصوبات قابلیت اجرا، اثربخشی و ارزیابی داشته باشند. اگر خواهد آن طوری که در مواد این قانون آمده بر اجرای آن سختگیری شود، به تشکیل هزاران و بلکه میلیون‌ها پرونده خلاف با عناوین مختلف مجرمانه برای شهروندان منتهی خواهد شد.»



### حکومت و نظام مال ماست

نادر قاضی‌پور، فعال سیاسی اصول‌گرا و نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار آنلاین درباره ثبت‌نامش در انتخابات مجلس دوازدهم گفت: «نظام و حکومت مال ماست. ما برای بقای نظام خون‌ها دادیم، دوستان و رفقایمان، شهدای عالیقدر مثل حمید و مهدی باکری و ۱۲ هزار شهید آذربایجان غربی و سردار کاظمی را دادیم. به این آسانی مملکت را به دست نیاوردیم که به این آسانی با دو عدد نفوذی مملکت را ول کنیم.» او درباره عملکرد مجلس یازدهم و رئیس مجلس گفت: «به نظر من آقای قالیباف در مجلس یک اختناق‌بی به‌وجود آورده تا نمایندگان نتوانند بیشتر تلاش کنند. به نظر من موفق نبودند تا مشکلات روزمره جاری را عملیاتی کنند تا مردم به رفاه نسبی برسند. آقای قالیباف نتوانست سیاست مجلس را به نحو احسن انجام دهد. آوردن نیروها از خارج از مجلس کار بسیار بدی بود که ایشان انجام داد. بستن میکروفون نماینده بدترین کار بود.»



### هر کسی از مادرش قهر می‌کند لیست می‌دهد

عباس سلیمی‌نمین، تحلیل‌گر سیاسی اصول‌گرا در گفت‌وگو با نامه‌نیوز درباره ارائه لیست‌های انتخاباتی گفت: «متأسفانه برخی از گروه‌ها مبدع شرایطی هستند که هر کسی از مادرش قهر می‌کند، می‌آید و لیست می‌دهد؛ مثلاً تحت عنوان عدالت‌خواهی یا دیگر عناوین لیست می‌دهند که این وضعیت ناشی از خودبزرگ‌بینی برخی گروه‌هاست. آنها قبح برخی تک‌روی‌ها را شکسته‌اند و این خطری جدی است. مثلاً آقای محصولی اخیراً از معیارها سخن می‌گوید. او اصلاً در جایگاهی نیست که معیار تعیین کند. او اگر معیار تعیین نکند، اتفاقاً آرایش مردم به معیارها بیشتر خواهد بود و واقعاً بهتر است که اینها دم از ترویج معیارها نزنند.»



### منتقدان تندرو دولت روحانی، او وزارت‌خارج‌ش را به سازش‌کاری، وطن‌فروشی و مانند این‌ها متهم می‌کنند.

منتقدان تندرو دولت روحانی، او و وزارت‌خارج‌ش را به سازش‌کاری، وطن‌فروشی و مانند این‌ها متهم می‌کنند. برخی منتقدان منصف، می‌گویند او تمام تخم‌مرغ‌ها را در سبد برجام گذاشت. برخی حامیان او نیز در همان زمان که ترامپ از برجام خارج شد، پیشنهاد استعفا یا او مطرح کردند. اگر دولت روحانی را یک دولت کاملاً غرب‌گرا بدانیم - که این گزاره را می‌توان نقد کرد - در حال حاضر ساختار و دولت در قدرت، به‌طور کامل شرم‌گرا و حتی در آغوش شرق افتاده است. در واقع با رسیدن به این باور که مسیر دیپلماسی با غرب و حل پرونده‌های باز به بن‌بست خورده، راهی به جز شرق باقی نمانده است.

راهبرد چرخش به شرق نیز تابعی از راهبرد بقاست. در حالی که کشور در باتلاق تحریم‌ها فرو رفته، برای نقد کردن درآمدهای خود با مشکل مواجه است و پرونده‌های فی‌مابین با غرب حل نشده است، چاره‌ای جز آغوش گشودن به سمت شرق ندارد. همان‌طور که نرمش در برابر غرب نیز نه از سر انتخاب که از سر ناچار بود. حالا که علاقه‌ای به خروج از شرایط تحریمی از سوی مسئولان فعلی و تصمیم‌گیران به چشم نمی‌آید، باید به راه‌های جایگزین روی بیاورد. از جمله این راه‌های جایگزین می‌شود به تهاوت نفت و کالا (مثل خودرو) و همچنین بستن قرارداد با شرکت‌های چینی که حاضر به کار در ایران هستند، اشاره کرد.

آنچه ایران نیازمند آن است، سیاست خارجی متعادل است؛ نه غرب‌گرایی صددرصدی به نفع کشور است، نه غرب‌ستیزی به آن شکلی که امروز وجود دارد. وقتی بسیاری چیزها را از جمهوری خلق چین الگوبرداری کنند، خوب است که سیاست خارجی چین و آمریکا نسبت به یکدیگر را نیز الگو قرار بدهند. ► **عدم تعهد به اصلاحات ساختاری:** هیچ نظام سیاسی در جهان، تن به براندازی نمی‌دهد. اما نظام‌های سیاسی نرمال که دموکراسی در آن‌ها نهادینه شده، در برابر تغییراتی که پشتوانه اجتماعی دارند، انعطاف نشان می‌دهند. بله؛ می‌توان نمونه نقض این قاعده را نیز پیدا کرد. مثل قانون حمل و مالکیت سلاح در آمریکا که لایحه‌ها و جریان دست راستی در برابر آن مقاومت می‌کنند. اما اصل بر این است که مخالفان حق حمل و مالکیت سلاح «می‌توانند» در برابر قانونی که بد می‌دانند، دست به اقدام بزنند و برای لغو یا اصلاح آن تلاش کنند. حتی اگر این تلاش ناموفق باشد. نمونه‌های موفق این انعطاف را باید در به رسمیت شناختن حقوق سیاهان، لغوبرده‌داری و سپس جدایی نژادی که لکه‌نگی در تاریخ ایالات متحده است، جست‌وجو کرد. اصلاحات ساختاری به هیچ کشوری آسیب نزده؛ اما اگر مثل پهلوی دوم که سال‌ها بر میخ استبداد کوید و سپس دست به اصلاحات سریع و شتاب‌زده زد، عاقبتش ناگوار است. در حال